

بسم الله الرحمن الرحيم

معنای واقعی آزادی

(ترجمه)



خبر:

مالیزیا شصت و مین روز استقلال خود را از سلطهٔ انگلیس به تاریخ ۳۱ اگست ۲۰۱۸ م تجلیل خواهد کرد. این روز منحصی یک تاریخ متبرک ملاحظه می شود تا جایی که یک روز به یادماندنی برای مردم مالیزیا از استقلال کشورشان است که بیش از چهارصد سال زیر استعمار قدرت های مختلف خارجی، که آخرین شان انگلیس بود، قرار داشتند. بعضی از مردم تجلیل این سال را یک چیز بسیار خاصی ملاحظه می کنند، بخاطری که برای اولین بار از زمان استقلال مردم مالیزیا از چنگ "باريسان ناسیونال" آزاد می شوند. تحت شعار "عشق به مالیزیا" مردم آن به این امید اند که از قوانین سخت دولت قبلی آزاد و مستقل خواهند شد.

به هر حال ممکن نیست یک شخص از گفتن موضوع مشابه به این که هر زمان روز تجلیل از استقلال است، از اجرای دموکراسی رهایی یابد. آیا ما واقعاً از آزادی واقعی لذت می بریم؟ بعد از قرن ها تحت استعمار و غارت منابع طبیعی، ما کاملاً به غرب تقریباً در تمام بخش های زنده گی وابسته هستیم. در حقیقت قوانین، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام تعلیمی ما تمام این ها تقلید شده از قوانین غربی شکل و ساختار بندی شده است. پس معنای واقعی آزادی چیست؟

تبصره:

آزادی یک سرزمین دلالت بر تسلط آن یعنی آزاد بودن از استعمار و از کنترل فزیک قدرت‌های خارجی است. یک دولت مستقل، کشور متکی به تصمیم‌گیری-که خودش راه خود را در قوانین ساختاری حکومت‌داری و نظام اقتصادی و به‌همین‌گونه فرهنگی تعلیمی و اجتماعی تعیین کند- می‌باشد. آزادی فردی بدین معناست که مرد و یا زن تحت کنترل و یا تصرف هیچ کس از برده‌گی و متکی به آزادی نبوده و دارای قدرت اتخاذ تصمیم‌گیری خود در معلوم کردن هدف زنده‌گی‌شان باشند. اگرچه تعداد زیادی از مردم ادعاء می‌کنند که مالیزیا در سرزمینی که حقوق آزادی تضمین شده است، به آزادی و حقوق فردی دست پیدا کردند، در حالی که بیشتر آنان تصدیق می‌کنند که آن‌ها هنوز در بند "ریسمان‌های" دیگر انسان‌ها و حکام خارجی هستند. این باعث می‌شود یک شخص فراموش کند که راه زندگی‌شان عمدتاً در کنترل دیگران است. کلام الله سبحانه و تعالی این را به خوبی بیان می‌دارد:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

[توبه: ۳۱]

ترجمه: اینان دانشمندان و راهبان خود را به جز الله (سبحانه و تعالی) به خدایی گرفتند، مسیح پسر مریم را با این‌که مامور نبودند، جز که الله یگانه را پرستند، معبود جز او نیست، منزّه است او از آن‌چه با او شریک می‌گردانند.

زمانی که عدی ابن حاتم نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و گفت: یهودیان و مسیحیان راهبان و یا کشیش‌های خود را عبادت نمی‌کنند، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:

«أليس يحرمون ما أحلّ الله فتحرمونه، ويحلّون ما حرّم الله فتحلّونه؟ قال: قلت: بلى! قال: فتلك عبادتهم...»

(الطبری)

ترجمه: آیا آنان (راهبان و کشش‌های‌شان) چیزی که الله (سبحانه و تعالی) حلال کرده حرام می‌نمودند و شما آن را حرام نمی‌دانستید و آنچه را که الله (سبحانه و تعالی) حرام کرده است (راهبان و کشیش‌های‌شان) حلال می‌نمودند و شما (یهودیان و مسیحیان) آن را حلال نمی‌دانستید؟ عدی جواب داد: بلی. رسول‌الله (ﷺ) فرمودند: همانا این (راهبان و کشیش‌های‌شان) برای‌شان عبادت است.

این شکلی از "برده‌گی" است که بسیاری به‌ندرت آن را تصدیق می‌کنند. این که پیروان از رهبران‌شان هرچه که آن‌ها بگویند و از هر چیزی که منع کنند، پیروی می‌کنند، اگرچه این امر و نهی‌شان مخالف اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی باشد؛ این به‌طور واضح در این نظام گواهی می‌دهد که بالای زنده‌گی ما حاکمیت دارد. دموکراسی نوعی از حکومت‌داری است که اساس آن جدایی دین از زندگی می‌باشد. در این نظام هیچ جایی برای اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی در نظر گرفته نشده است. اکثریت آراء منحصر به منشأ قانون و سیادت تنها منحصر به فرد است. بعد از تمام نگرش و پروسه‌های تصویبی، این قانون مردم را مجبور می‌کند که آن‌ها تمام این قوانین را بپذیرند و اگر کسی سرباز زند، مجازات خواهد شد. دقیقاً این شکلی از عبادتی همگام با انسان است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده بودند. در عصر امروزی تعیین حلال و حرام دیگر توسط راهبان صورت نمی‌گیرد، بلکه این وظیفه توسط قانون‌گذاران انجام

می‌شود. آن‌ها استدلال می‌کنند که قوانین بر اساس حقوق انسانی و آزادی‌شان تشریح شده است؛ اما به واقعیت آن‌ها قوانینی است که از هوی و هوس فرد به وجود آمده است؛ نه براساس تقاضای شریعت اسلامی. بنابر این، تقاضای این نظام برای انسان بر اساس مشکلات جهانی همیشگی دوام‌دار است.

اسلام آمده تا انسان‌ها را از مشکلات مختلف ناشی از اسارت و بنده‌گی دیگر انسان‌ها نجات دهد. اسلام آمده تا ما را آزادی واقعی که تنها به عبادت الله سبحانه و تعالی و او تنها لایق عبادت است، برخوردار سازد. گفت‌وگو میان فرمانده لشکر فارس، رستم و ربیعہ ابن امیر فرستنده فرمانده مسلمانان، سعد ابن ابی وقاص در جنگ قادسیه واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. زمانی که از ربیعہ سوال شد که چرا لشکر مسلمانان به فارس آمده است، او در پاسخ گفت: الله سبحانه و تعالی ما را فرستاده تا شما را از عبادت مخلوق به عبادت خالق مخلوق و از مشقت‌های این دنیا به دنیا پهناور بعد از مرگ و از ظلم دین‌های تان به سوی عدالت اسلام آزاد سازیم. الله عزوجل ما را فرستاده تا شما را از عبادت یک دیگرتان نجات دهیم. (منبع: ابن جریر الطبری، تاریخ الامام و الملک ۲/۴۰۱، دارالکتب الامایه، بیروت)

نویسنده: دکتر محمد

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۱ ذوالحجه ۱۴۳۹ ه.ق

۱ سپتمبر ۲۰۱۸ م